

مقایسه عملکرد خانواده، رضایت زناشویی و سبک‌های تفکر در مادران کودک ناتوان در یادگیری و مادران کودکان عادی

یاسر رضاپور میر صالح^۱ و منیره اسماعیل بیگی^۲

چکیده

پژوهش حاضر با هدف مقایسه عملکرد خانواده، رضایت زناشویی و سبک‌های تفکر در مادران کودکان ناتوان در یادگیری و مادران کودکان عادی انجام گرفت. روش پژوهش توصیفی از نوع علی-مقایسه‌ای بود. کلیه مادران دارای فرزند ناتوان در یادگیری و عادی مدارس شهرستان‌های اردکان و میبد در سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵، جامعه آماری این پژوهش را تشکیل می‌دادند که از میان آن‌ها با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس ۱۴۰ مادر (۷۰ مادر دارای فرزند ناتوان در یادگیری و ۷۰ مادر دارای فرزند عادی) به عنوان نمونه انتخاب شده و به پرسش‌نامه‌های آپگار خانواده اسمیلکستین، رضایت زناشویی انریچ اولسون، فورنیر و درانکمن و سبک‌های تفکر استرنبرگ و واگنر پاسخ دادند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از تحلیل واریانس چند متغیری استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که مادران دارای کودک ناتوان در یادگیری عملکرد خانوادگی و رضایت زناشویی پایین‌تری نسبت به مادران دارای کودک عادی برخوردارند. همچنین هر سه سبک تفکر قانون‌گذار، اجرایی و قضاوت‌گر در مادران دارای کودک عادی از مادران دارای کودک ناتوان در یادگیری بالاتر بود ($p < 0/05$)؛ بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت بهبود سبک‌های تفکر، رضایت زناشویی و عملکرد خانواده مادران دارای فرزند ناتوان در یادگیری ممکن است بتواند شرایط بهتری را برای بهبود عملکرد فرزند آن‌ها به وجود آورد.

واژه‌های کلیدی: عملکرد خانواده، رضایت زناشویی، سبک‌های تفکر، ناتوانی یادگیری.

۱- دانشیار گروه مشاوره، دانشگاه اردکان

۳- نویسنده مسئول: کارشناس ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه اردکان (moniremahani@yahoo.com)

تاریخ دریافت: ۹۷/۹/۴

تاریخ پذیرش: ۹۸/۷/۲

مقدمه

ناتوانی یادگیری^۱ به گروه ناهمگونی از اختلالات اطلاق می‌شود که مشکلات مهمی در توانایی گوش دادن، صحبت کردن، خواندن، نوشتن، استدلال و یا توانایی‌های ریاضی ایجاد می‌کند (گیری^۲، ۲۰۱۳). دانش‌آموزان مبتلا به ناتوانی یادگیری دارای خودپنداره ضعیف (زنگ، گومرایکسون، کینگستن و نونن^۳، ۲۰۱۴) و اضطراب اجتماعی بالا (عباسی، ۱۳۹۴) بوده و نسبت به کودکان عادی هم سن و سال خود، پذیرش پایینی را از جانب اطرافیان تجربه می‌کنند (پیجل و فروستاد^۴، ۲۰۱۰). این دانش‌آموزان معمولاً نیازهای آموزشی ویژه‌ای دارند که در محیط‌های کوچکی، از جمله خانواده، باید مورد توجه خاصی قرار گیرند (بارکوسکین^۵، ۲۰۰۹). ناتوانی یادگیری کودک می‌تواند بر کل سیستم خانواده تأثیر گذاشته، استرس والدین را افزایش داده و منجر به رشد عملکرد منفی در خانواده شود (گول و نیزمی^۶، ۲۰۱۵). خصوصاً این مهم در مورد مادران این کودکان اهمیت خاصی پیدا می‌کند. از آنجا که این مادران اغلب به‌عنوان مراقبین اصلی به‌حساب می‌آیند، علاوه بر استرس‌های معمول زندگی، با عوامل استرس‌زای مربوط به-شرایط ویژه فرزندشان نیز، دست و پنجه نرم می‌کنند (شیخ‌الاسلامی، محمدی و سیداسماعیلی قمی، ۱۳۹۵). مطالعات نشان می‌دهد که مادران دارای فرزند ناتوان در یادگیری، طیفی وسیعی از علائم افسردگی و اضطراب را نسبت به مادران دارای فرزند عادی تجربه می‌کنند (ییلدیریم سیر و باسباکال^۷، ۲۰۱۰).

از بین عوامل مؤثر بر رضایت زناشویی، می‌توان به عملکرد خانواده اشاره کرد (پورافقی،

1. Learning Disabilities

2. Geary

3. Zheng, Gaumer Erickson, Kingston & Noonan

4. Pijl & Frostad

5. Barkauskiene

6. Gull & Nizami

7. Yildirim Sari & Başbakkal

۱۳۹۵). همان‌طور که اشاره شد، ناتوانایی یادگیری کودک می‌تواند بر عملکرد خانواده^۱ تأثیر گذارد، با این وجود متقابلاً، رضایت زناشویی^۲ والدین و عملکرد خانواده نیز می‌تواند بر عملکرد یادگیری کودک تأثیر داشته باشد. مطالعات نشان می‌دهد والدینی که در محیط خانه ارتباط مؤثری با یکدیگر دارند و تعاملاتشان بر پایه تعهد، احساس مسئولیت، اعتماد و صمیمیت است، فرزندان‌شان در مدرسه عملکرد تحصیلی مطلوب‌تری دارند. بر عکس در خانواده‌های ناکارآمد که تعاملات بین والدین با درگیری و مشاجره همراه است، کودکان اضطراب و استرس بیشتری را تجربه کرده و در نتیجه، پیشرفت تحصیلی آن‌ها کندتر است (بودوسکی و یون^۳، ۲۰۱۰؛ یوسفی، امانی و حسینی، ۱۳۹۵؛ محمدی فر، کاظمی و زارعی مته کلایی، ۱۳۹۵). خصوصاً این موارد در خانواده‌های دارای فرزند ناتوان در یادگیری، اهمیت خاصی پیدا می‌کند. به طوری که ارتباط مؤثر والدین با یکدیگر و ایجاد یک محیط سالم در خانه، منجر به اعتماد آن‌ها نسبت به توانایی‌های خود شده که در نتیجه آن، بهبود عملکرد تحصیلی آن‌ها را به همراه دارد (سیمون و ایسوردوس^۴، ۲۰۱۵).

از آنجا که مادران اکثر وقت خود را با فرزندان‌شان صرف می‌کنند و به عنوان اولین آموزگار کودک تلقی می‌شوند، یکی دیگر از متغیرهای مهم در زمینه یادگیری فرزندان آن‌ها، سبک‌های تفکر^۵ مادر است (پارک، شین و پارک^۶، ۲۰۰۸). به گفته استرنبرگ^۷ راه‌های بسیاری برای استفاده از توانایی‌های ذهنی وجود دارد، این روش‌های متداول استفاده از توانایی‌ها، همان سبک‌های تفکر هستند (نریمانی، سلیمانی و ابوالقاسمی، ۱۳۹۱). استرنبرگ^۷ ۱۳ سبک تفکر را که در پنج بعد خودفرمانی ذهنی قرار دارد، پیشنهاد می‌کند. این پنج بعد عبارت‌اند از: کارکردها، اشکال، سطوح، حوزه‌ها و تمایلات (زو و زنگ^۸، ۲۰۱۱). بر همین اساس استرنبرگ (۱۹۹۴) به سه عملکرد سبک‌های

1. Family function

2. Marital Satisfaction

3. Bodovski & Youn

4. Simon & Easvaradoss

5. Thinking Styles

6. Park, Shin & Park

7. Sternberg

8. Zhu & Zhang

تفکر شامل قانون‌گذار^۱، اجرایی^۲ و قضاوت‌گر^۳ اشاره می‌کند. در سبک تفکر قانون‌گذار فرد به فرمول‌بندی، تصویرسازی، طرح‌ریزی برنامه‌ها و تکالیف پرداخته؛ در سبک اجرایی فرد به پیاده‌سازی و تبعیت از آنچه که به او گفته می‌شود توجه دارد و در سبک قضاوت‌گر فرد به قضاوت، ارزیابی و مقایسه می‌پردازد. مطالعات نشان می‌دهد سبک‌های تفکر و یادگیری با یکدیگر مرتبط هستند و یادگیری می‌تواند محصول تفکر باشد (اکس‌آی، گائو و کینگ^۴، ۲۰۱۳). تفکر هدفمند می‌تواند با طبقه‌بندی اطلاعات و مرور دانسته‌ها، در یادگیری‌های قبلی فرد مداخله کرده و اطلاعات ذخیره شده در حافظه را تغییر دهد. در این حالت فرد با ارزیابی، طرح‌ریزی و پیاده‌سازی، عملکرد بالاتری را در یادگیری تجربه کرده و به درک بهتر مسائل، موضوعات و تکالیف تحصیلی نایل می‌شود (دیاز-مورالس، ایسکریبانو^۵، ۲۰۱۳). مطالعات نشان می‌دهد که سبک‌های تفکر به یک اندازه ارزشمند هستند و بسته به موقعیت، عملکرد آن‌ها متفاوت است (ایمیر^۶، ۲۰۱۳). مطالعات همچنین نشان می‌دهد که سبک‌های تفکر مادران تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر کودکان دارد به طوری که مادران به دلیل ارتباط نزدیکشان با فرزندان خود می‌توانند بر نحوه برخورد آن‌ها با جهان خارج تأثیر گذارند (پارک و همکاران، ۲۰۰۸). خصوصاً این مهم در مورد مادران دانش‌آموزان ناتوان در یادگیری اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند، این مادران می‌توانند بسته به موقعیت، از سبک‌های تفکر به عنوان مجموعه‌ای از استراتژی‌ها و راهکارها جهت حل موفقیت‌آمیز چالش‌های خود در ارتباط با فرزندان‌شان استفاده کنند (ماشال و کاسیریر^۷، ۲۰۱۱).

کووک، لیگون و ونگ^۸ (۲۰۱۴)، در پژوهشی نشان دادند که فشارهای ادراک شده هیجانی،

1. legislative

2. executive

3. udicial

4. Xie, Gao & King

5. Diaz-Morales & Escribano

6. Emir

7. Mashal & Kasirer

8. Kwok, Leung, & Wong

اجتماعی و رشدی توسط مادران دارای کودکان ناتوان، بر میزان رضایت زناشویی آن‌ها مؤثر است. پارک و همکاران (۲۰۰۸)، در پژوهش خود نشان دادند که سبک‌های تفکر مادران، به اختلال والدین، تعامل ناسازگار والد با کودک و خلق و خوی دشوار کودک مربوط می‌شود. نتایج پژوهش دیسون^۱ (۲۰۱۰) نشان داد که کودکان ناتوان در یادگیری بر خانواده‌هایشان تأثیر زیادی دارند. این تأثیر شامل افزایش میزان سطوح اضطراب والدین، تعارضات زناشویی، واکنش‌های منفی اعضای خانواده و مشکل در تعامل والدین با مدرسه می‌شود. هرینگ گری، تافی، تونگ، سوینی^۲ و همکاران (۲۰۰۶) در پژوهش خود دریافتند که مشکلات عاطفی و رفتاری کودکان ناتوان به طور قابل ملاحظه‌ای با عملکرد خانوادگی این کودکان مرتبط است. همچنین سوبسی^۳ (۲۰۰۴) در پژوهشی نشان داد که استرس، ناراحتی و سایر عوامل مرتبط با داشتن فرزند ناتوان، با افزایش میزان اختلافات و نارضایتی‌های زناشویی مرتبط است. کهرآزی (۱۳۹۶) در پژوهش خود نشان داد بین عملکرد خانواده در همه ابعاد (حل مشکل، ارتباط، ایفای نقش، پاسخ‌دهی عاطفی، آمیزش عاطفی، کنترل رفتار و عملکرد کلی) با خود نظم‌دهی تحصیلی دانش‌آموزان، همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. پیرمحمدی، خدایی، یوسفی، شریعتی و دستا (۱۳۸۹) در پژوهشی، به بررسی رابطه سبک‌های تفکر و رویکردهای یادگیری با پیشرفت تحصیلی پرداختند. نتایج پژوهش، ضرورت بازشناسی نقش سبک‌های تفکر و رویکردهای یادگیری را در پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی دانشجویان را مورد تأکید قرار می‌دهد. همان‌طور که در بالا اشاره شد، ضرورت عملکرد خانواده و سبک‌های تفکر بر یادگیری، مورد تأیید قرار گرفته است با این وجود، پژوهش‌هایی که به مقایسه عملکرد خانواده، رضایت زناشویی و سبک‌های تفکر مادران دارای فرزند ناتوان در یادگیری و عادی پرداخته باشد، یافت نشد. از آنجا که نوع ناتوانی کودک بر عملکرد خانواده، رضایت زناشویی و سبک‌های تفکر مادران تأثیر دارد، اما

1. Dyson

2. Herring, Gray, Taffe, Tonge, Sweeney

3. Sobsey

دقیقا نمی‌دانیم که آیا سازه‌های روان‌شناختی مانند عملکرد خانواده، رضایت زناشویی و سبک‌های تفکر در مادران دارای فرزند ناتوان در یادگیری و عادی متفاوت است؟ پژوهش حاضر با هدف مقایسه سه سازه روان‌شناختی عملکرد خانواده، رضایت زناشویی و سبک‌های تفکر مادران دو گروه از کودکان (ناتوان در یادگیری و عادی) انجام شده است.

روش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف، کاربردی بوده و از نظر روش، توصیفی از نوع علی-مقایسه‌ای (پس‌رویدادی) است.

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری: جامعه آماری شامل کلیه مادران دارای فرزند ناتوان در یادگیری و کودکان عادی ۱۳-۶ سال، ساکن شهرستان‌های اردکان و میبد در سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۶ بودند. از میان آن‌ها با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس ۷۰ مادر دارای فرزند ناتوان در یادگیری و ۷۰ مادر دارای فرزند عادی انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها از ابزارهای زیر استفاده شده است:

۱- پرسشنامه عملکرد خانواده آپگار: فرم اصلی این پرسشنامه توسط اسمیلکستین^۱ (۱۹۷۸) طراحی شده است. این پرسشنامه ۲۷ سؤال دارد، سؤال ۱-۴ سازگاری، ۵-۱۱ مشارکت، ۱۲-۱۷ رشد، ۱۸-۲۲ عاطفه و ۲۳ تا ۲۷ تصمیم‌گیری را بررسی می‌کند. در سه گزینه به ندرت (نمره صفر)، گاهی اوقات (نمره ۱) و همیشه (نمره ۲) نمره‌گذاری می‌شود (اسمیلکستین و همکاران، ۱۹۸۲). نمره کلی پرسشنامه عملکرد خانواده از ۰ تا ۱۰ را مورد سنجش قرار می‌دهد به طوری که نمره ۰-۳ شدیداً ناکارآمد، ۴-۶ ناکارآمدی متوسط و ۷-۱۰ کارآمدی را نشان می‌دهد. گویه‌های این پرسشنامه سازه‌های مربوط به عملکرد خانواده را مورد بررسی قرار می‌دهد و با یکدیگر و با پرسشنامه‌های مشابه همبستگی معناداری دارند. همچنین روایی محتوایی پرسشنامه مورد تأیید قرار

¹. Smilkstein

گرفته است. پایایی بازآزمایی این پرسشنامه نیز ۰/۸۳ به دست آمد (اسمیلکستین و همکاران، ۱۹۸۲). جعفرزاده و همکاران (۱۳۸۰) به نقل از نعمتی فرد، دالوندی، ساجدی و نوروزی، (۱۳۹۸) در پژوهش خود آلفای کرونباخ ۸۹ درصد، آماره ۹۰/۴ و سطح معناداری ۰/۰۱ را به دست آوردند. آلفای کرونباخ پرسشنامه در پژوهش حاضر ۸۹ درصد به دست آمد.

۲- پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ: این پرسشنامه توسط اولسون، فورنیر و درانکمن^۱ (۱۹۸۹) ساخته شده است (به نقل از ثنایی، ۱۳۷۹). فرم کوتاه پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ ۴۷ سؤال دارد و برای ارزیابی زمینه‌های بالقوه مشکل‌زا و شناسایی زمینه‌های قوت و پربراری رابطه زناشویی به کار می‌رود. این پرسشنامه یک ابزار معتبر برای بررسی رضایت زناشویی است (ثنایی، ۱۳۷۹). از ۹ خرده مقیاس تشکیل شده که در یک مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت (از ۰ کاملاً مخالفم تا ۴ کاملاً موافقم) نمره گذاری می‌شوند. خرده مقیاس‌های پرسشنامه عبارتند از: مسائل شخصیتی، ارتباط زناشویی، حل تعارض، مدیریت مالی، فعالیت‌های اوقات فراغت، رابطه جنسی، فرزندان و فرزند پروری، اقوام و دوستان و جهت‌گیری مذهبی. ضرایب آلفای کرونباخ پرسشنامه در گزارش اولسون، فورنیر و درانکمن (۱۹۸۹) برای خرده مقیاس‌های مسائل شخصیتی، ارتباط زناشویی، حل تعارض، مدیریت مالی، فعالیت‌های اوقات فراغت، رابطه جنسی، فرزندان و فرزند پروری، اقوام و دوستان و جهت‌گیری مذهبی به ترتیب ۰/۸۱، ۰/۷۳، ۰/۶۸، ۰/۷۵، ۰/۷۴، ۰/۷۶، ۰/۴۸، ۰/۷۷، ۰/۷۲ بود (ثنایی، ۱۳۷۹). ضریب آلفای خرده مقیاس‌های انریچ در چندین تحقیق متفاوت از ۰/۶۸ (برای نقش‌های مساوات‌طلبی) تا ۰/۸۶ (برای رضایت زناشویی) با میانگین ۰/۷۹ بوده است. ضریب همبستگی این پرسشنامه با مقیاس‌های رضایت خانوادگی از ۰/۴۱ تا ۰/۶۰ و با مقیاس‌های رضایت زندگی از ۰/۳۲ تا ۰/۴۱ بود که نشانه روایی سازه آن است. کلیه خرده مقیاس‌های «پرسشنامه انریچ» زوج‌های راضی و ناراضی را متمایز می‌کند و این نشان می‌دهد که این پرسشنامه از روایی ملاک خوبی برخوردار است (ثنایی، ۱۳۷۹). آلفای کرونباخ این پرسشنامه در پژوهش

^۱. Olson, Fournier & Druckman

۳- پرسشنامه سبک‌های تفکر: این پرسشنامه در سال ۱۹۹۲ توسط استرنبرگ و واگنر^۱ ساخته شد. شامل ۲۴ سؤال بوده و سه سبک تفکر قضاوتی (۱-۸)، اجرایی (۹-۱۶) و قانون گزار (۱۷-۲۴) را می‌سنجد (استرنبرگ و واگنر، ۱۹۹۲). سوالات پرسشنامه بر اساس مقیاس ۴ درجه‌ای لیکرت از مخالفم (۱) کاملاً موافقم (۴) نمره‌گذاری می‌شود. ضرایب آلفای کرونباخ برای سبک‌های تفکر قانون‌گذار، قضایی و اجرایی به ترتیب ۰/۷۸، ۰/۷۲ و ۰/۷۵ گزارش شده است. دامنه نمرات بین ۸ تا ۳۲ است. نمرات بالا در هر سبک، نشان دهنده سبک تفکر غالب است. امامی پور و سیف (۱۳۸۲) در ایران بر اساس نتایج حاصل از ۸۱۰ آزمودنی به روش تحلیل عاملی، ضریب ۰/۵۹ را برای روایی ابزار گزارش کردند. آلفای کرونباخ در پژوهش حاضر برای سبک‌های تفکر قانون‌گذار، قضایی و اجرایی به ترتیب ۰/۸۷، ۰/۸۲ و ۰/۸۵ است.

روش اجرا: بعد از اخذ مجوزهای لازم، پژوهشگر بصورت حضوری در مراکز اختلال‌های یادگیری شهرستان‌های اردکان و میبد حاضر شد و بعد از آشنایی با مادرانی که با همکاری کارکنان آموزشی این مراکز حاضر شده بودند، از ۷۰ مادران دارای فرزند ناتوان در یادگیری و ۷۰ مادران دارای فرزند عادی درخواست نمود تا پرسش‌نامه‌های آپگار خانواده، رضایت زناشویی انریچ و سبک‌های تفکر را پر نمایند. برای تحلیل یافته‌های پژوهش از آزمون تحلیل واریانس چندمتغیره (مانوا) استفاده شد.

نتایج

از ۱۴۰ شرکت‌کننده این پژوهش، ۷۰ نفر مادر دارای فرزند ناتوان در یادگیری و ۷۰ نفر مادر دارای فرزند عادی بود. میانگین و انحراف معیار سن مادر در دانش‌آموزان ناتوان در یادگیری ۳۰/۶۷ و ۴/۰۶ و در دانش‌آموزان عادی ۴۱/۳۲ و ۳/۸۹ بود. میانگین و انحراف معیار سن کودک

¹. Sternberg & Wagner

مقایسه عملکرد خانواده، رضایت زناشویی و سبک‌های تفکر در مادران کودک ناتوان در یادگیری و...

در دانش‌آموزان ناتوان در یادگیری ۹/۵۳ و ۲/۷۲ و در دانش‌آموزان عادی ۱۰/۱۴ و ۲/۲۶ بود. فراوانی سطح تحصیلات مادر و درآمد ماهانه خانوادگی به تفکیک مادران دارای فرزند ناتوان در یادگیری و مادران دارای فرزند عادی در جدول ۱ آورده شده است.

جدول ۱. فراوانی آزمودنی‌ها از لحاظ پایه تحصیلی، درآمد خانوادگی و سطح تحصیلات والدین

مادران دارای فرزند ناتوان در یادگیری				مادران دارای فرزند عادی			
متغیر	طبقات	F	%	متغیر	طبقات	F	%
درآمد	کمتر از ۱/۵ میلیون	۳۱	۴۴/۳	درآمد	کمتر از ۱/۵ میلیون	۲۸	۴۰
ماهانه	بین ۱/۵ تا ۲/۵ میلیون	۳۵	۵۰	ماهانه	بین ۱/۵ تا ۲/۵ میلیون	۳۶	۵۱/۴
خانوادگی	بیشتر از ۲/۵ میلیون	۴	۵/۷	خانوادگی	بیشتر از ۲/۵ میلیون	۶	۸/۶
ابتدایی و بی سواد	ابتدایی و بی سواد	۱۳	۱۸/۶	ابتدایی و بی سواد	ابتدایی و بی سواد	۷	۱۰
تحصیلات	راهنمایی و سیکل	۲۳	۳۲/۸	تحصیلات	راهنمایی و سیکل	۲۸	۴۰
مادر	دیپلم و دیپلم	۲۴	۳۴/۳	مادر	دیپلم و دیپلم	۲۶	۳۷/۱
کاردانی و لیسانس	کاردانی و لیسانس	۱۰	۱۴/۳	کاردانی و لیسانس	کاردانی و لیسانس	۹	۱۲/۹

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، بین مادران دارای فرزند مبتلا به ناتوانایی در یادگیری و مادران دارای فرزند عادی تفاوت چندانی در سطح تحصیلات و میزان درآمد ماهانه خانوادگی وجود ندارد. میانگین و انحراف معیار متغیرهای مورد مطالعه در جدول ۲ آورده شده است.

جدول ۲. میانگین و انحراف معیار سبک‌های تفکر، رضایت زناشویی و عملکرد خانواده به تفکیک دو گروه

متغیر	عادی				متغیر	عادی			
	LD		عادی			LD		عادی	
	SD	M	SD	M		SD	M	SD	M
مسائل شخصیتی	۲/۲۶	۱۹/۴۶	۲/۳۹	۱۸/۸۴	اقوام و دوستان	۲/۳۰	۱۹/۹۰	۲/۵۸	۱۸/۵۸
ارتباط زناشویی	۲/۱۴	۲۰/۰۳	۲/۲۸	۱۹/۰۳	فرزند و فرزندپروری	۲/۳۲	۱۹/۶۱	۲/۱۶	۱۸/۵۳
اوقات فراغت	۱۴/۷۱	۱۷۰/۱۰	۱۳/۵۷	۱۶۲/۷۶	نمره کل رضایت	۲/۲۹	۱۸/۴۰	۲/۱۵	۱۷/۹۶
مدیریت مالی	۱/۳۱	۸/۸۶	۱/۵۶	۷/۸۵	عملکرد خانواده	۳/۱۷	۱۹/۰۶	۲/۵۰	۱۸/۵۴
حل تعارض	۳/۶۱	۳۱/۱۶	۴/۱۳	۲۸/۹۷	تفکر قانون‌گذار	۲/۲۹	۱۶/۶۸	۲/۴۸	۱۵/۷۴
رابطه جنسی	۳/۲۶	۳۱/۸۵	۳/۲۴	۳۰/۱۸	تفکر قضاوتی	۲/۳۸	۱۸/۹۴	۲/۲۷	۱۷/۹۴
جهت‌گیری مذهبی	۳/۲۲	۲۹/۳۱	۳/۵۵	۲۸/۰۸	تفکر اجرایی	۲/۷۲	۱۸/۰۱	۲/۰۶	۱۷/۵۸

در راستای آزمون فرضیه‌های پژوهش، نتایج آزمون تحلیل واریانس چند متغیره جهت ارزیابی تفاوت بین دو گروه در متغیرهای عملکرد خانواده، رضایت زناشویی و سبک‌های تفکر در جدول ۳ آورده شده است. قبل از اجرای این آزمون، نرمال بودن توزیع نمرات در جامعه با استفاده از آزمون کلوموگروف-اسمیرنوف بررسی شد که نتایج نشان می‌داد داده‌ها در هر دو گروه از توزیع نرمالی برخوردارند. ضمناً نتایج آزمون لون نشان داد که واریانس‌های دو گروه در متغیرهای مورد مطالعه باهم برابر هستند.

جدول ۳. نتایج آزمون تحلیل واریانس چند متغیری جهت مقایسه متغیرهای مورد مطالعه در دو گروه مادران دارای فرزند ناتوان ذهنی و فرزند عادی

نام آزمون	مقدار	F	sig	partial η^2
آزمون اثر پیلاپی	۰/۲۳۵	۲/۹۷۱	۰/۰۰۱	۰/۲۳۵
آزمون لامبدای ویلکز	۰/۷۶۵	۲/۹۷۱	۰/۰۰۱	۰/۲۳۵
آزمون اثر هتلینگ	۰/۳۰۷	۲/۹۷۱	۰/۰۰۱	۰/۲۳۵
آزمون بزرگترین ریشه روی	۰/۳۰۷	۲/۹۷۱	۰/۰۰۱	۰/۲۳۵

همان‌طور که در جدول ۳ نشان داده شده است، تمامی مقادیر F معنادار هستند ($p < ۰/۰۰۱$) که نشان می‌دهد حداقل بین یکی از متغیرها در دو گروه تفاوت وجود دارد. برای مشخص شدن اینکه بین کدام یک از متغیرهای مورد مطالعه در دو گروه تفاوت وجود دارد از آزمون تحلیل واریانس در متن مانوا استفاده شد.

جدول ۴. نتایج تحلیل واریانس در متن مانوا روی نمرات پس آزمون متغیرهای عملکرد اجتماعی و مشکلات رفتاری

partial η^2	sig	F	MS	DF	SS	منبع تغییرات	اثر
۰/۰۶۸	۰/۰۰۲	۱۰/۰۸۵	۶۰/۴۵۷	۱	۶۰/۴۵۷	مسائل شخصیتی	گروه
۰/۰۵۶	۰/۰۰۵	۸/۲۲۷	۴۱/۲۵۷	۱	۴۱/۲۵۷	ارتباط زناشویی	
۰/۰۱۰	۰/۲۴۰	۱/۳۹۴	۶/۸۶۴	۱	۶/۸۶۴	اوقات فراغت	
۰/۰۰۸	۰/۲۸۸	۱/۱۳۷	۹/۲۵۷	۱	۹/۲۵۷	مدیریت مالی	
۰/۰۳۸	۰/۰۲۲	۵/۳۹۱	۳۱/۱۱۴	۱	۳۱/۱۱۴	حل تعارض	
۰/۰۴۵	۰/۰۱۲	۶/۴۷۹	۳۵/۰۰	۱	۳۵/۰۰	رابطه جنسی	
۰/۰۰۸	۰/۳۰۴	۱/۰۶۶	۶/۴۲۹	۱	۶/۴۲۹	جهت‌گیری مذهبی	
۰/۰۱۷	۰/۱۲۱	۲/۴۳۵	۱۳/۲۰۷	۱	۱۳/۲۰۷	اقوام و دوستان	
۰/۰۴۹	۰/۰۰۹	۷/۱۲۵	۳۴/۰۰	۱	۳۴/۰۰	فرزند و فرزندپروری	
۰/۰۶۴	۰/۰۰۳	۹/۴۱۹	۱۸۸۷/۱۱۴	۱	۱۸۸۷/۱۱۴	نمره کل رضایت	
۰/۱۰۹	۰/۰۰۰۱	۱۶/۸۲۱	۳۵/۰۰	۱	۳۵/۰۰	عملکرد خانواده	
۰/۰۷۴	۰/۰۰۱	۱۱/۱۰۸	۱۶۷/۲۰۷	۱	۱۶۷/۲۰۷	تفکر قانون‌گذار	
۰/۰۶۳	۰/۰۰۳	۹/۲۳۵	۹۷/۷۷۹	۱	۹۷/۷۷۹	تفکر قضاوتی	
۰/۰۳۲	۰/۰۳۴	۴/۵۹۵	۵۲/۸۲۹	۱	۵۲/۸۲۹	تفکر اجرایی	

یافته‌های آزمون تحلیل واریانس در متن مانوا (تحلیل واریانس چند متغیره) در جدول ۴ نشان می‌دهد که آمار آزمون در نمره کلی رضایت زناشویی، عملکرد خانواده و هر سه سبک تفکر قانون‌گذار، قضاوتی و اجرایی معنادار است ($p < 0/05$)؛ و با توجه به بیشتر بودن میانگین نمرات مادران دارای دانش‌آموز عادی در این متغیرها، می‌توان گفت مادران دانش‌آموزان عادی از رضایت زناشویی، عملکرد خانواده و سبک‌های تفکر قانون‌گذار، قضاوتی و اجرایی بیشتری نسبت به مادران دارای دانش‌آموز مبتلا به ناتوانایی یادگیری برخوردارند؛ اما از بین خرده مقیاس‌های پرسشنامه رضایت زناشویی، در خرده مقیاس‌های اوقات فراغت، مدیریت مالی، جهت

گیری مذهبی و اقوام و دوستان نتایج آزمون تحلیل واریانس در متن مانوا غیر معنادار بود ($p > 0.05$) که نشان می‌داد تفاوتی بین دو گروه مادران با و بدون دانش آموز مبتلا به ناتوانی یادگیری در این خرده مقیاس‌ها وجود ندارد. در مابقی خرده مقیاس‌ها، نتایج به نفع مادران دارای دانش آموز عادی معنادار بود ($p < 0.05$).

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به منظور مقایسه عملکرد خانواده، رضایت زناشویی و سبک‌های تفکر مادران دارای فرزند ناتوان در یادگیری و عادی انجام شد. نتایج بیانگر این بود که دو گروه از مادران دارای فرزند ناتوان در یادگیری و عادی در عملکرد خانواده، رضایت زناشویی و سبک‌های تفکر با یکدیگر تفاوت معنادار دارند؛ بدین صورت که مادران دارای فرزند ناتوان در یادگیری عملکرد خانوادگی و رضایت زناشویی کمتر و همچنین در هر سه سبک تفکر قانون‌گذار، اجرایی و قضاوت‌گر عملکرد پایین‌تری نسبت به مادران دارای فرزند عادی داشتند.

یافته اول پژوهش مبنی بر اینکه مادران دارای فرزند ناتوان در یادگیری عملکرد خانوادگی پایین‌تری نسبت به مادران دارای فرزند عادی دارند، با یافته‌های پژوهش دیسون (۲۰۱۰) و هرینگ و همکاران (۲۰۰۶) همسو است. در تبیین این یافته‌ها می‌توان بیان کرد که در خانواده‌های دارای کودک ناتوان، معمولاً تنش‌هایی وجود دارد که عملکرد خانواده و رشد فردی این کودکان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. والدین اغلب اضطراب و استرس بالایی را تجربه می‌کنند (دیسون، ۲۰۱۰). سبک‌های آموزشی والدین بسیار دستوری و ناکارآمد است. والدین نسبت به کودک ناتوان نگرش منفی بیشتری دارند. آن‌ها اغلب تمایل دارند با انتقاد و بازخورد منفی نسبت به رفتار و توانایی‌های فرزندشان، آن‌ها را دست کم گرفته و انتظارات بدبینانه‌ای نسبت به آینده تحصیلی شان نشان دهند (روبلدو-رامون و گارسیا-سنچز، ۲۰۱۰). این رفتارها می‌تواند به شخصیت

¹. Robledo-Ramón & García-Sánchez

کودک ناتوان در یادگیری آسیب زده و منجر به کاهش اعتماد به نفس و عملکرد یادگیری او شود.

یافته دوم پژوهش مبنی بر اینکه مادران دارای فرزند ناتوان در یادگیری رضایت زناشویی کمتری نسبت به مادران دارای فرزند عادی را تجربه می‌کنند، با یافته‌های کووک و همکاران، (۲۰۱۴) و سوبسی (۲۰۰۴) همسو است. در تبیین این یافته‌ها می‌توان بیان کرد که در سطح خانواده، زمانی که والدین باید وظایف مربوط به مراقبت از کودکان ناتوان را بر عهده گیرند، رضایت زناشویی یکی از عوامل تعیین کننده این موضوع است (کووک و همکاران، ۲۰۱۴). مطالعات نشان می‌دهد که رضایت زناشویی پیش‌بینی کننده مهمی در سبک مقابله مراقبین با وضعیت فرزندان‌شان دارد (سوبسی، ۲۰۰۴). رضایت زناشویی بالا می‌تواند خانواده را نسبت به مشکلات ناشی از حضور کودک ناتوان بیمه کند؛ به طوری که رابطه زناشویی راضی کننده می‌تواند به عنوان یک ضربه گیر جهت تطبیق و مقاومت والدین در نوع برخورد و مراقبت از کودکان ناتوان عمل کند (کووک و همکاران، ۲۰۱۴). علاوه بر این، رشد و بهبود کودک ممکن است تحت تأثیر رضایت زناشویی والدین قرار گیرد. مطالعات نشان می‌دهد که رضایت زناشویی پایین، روند بهبود کودکان ناتوان را کاهش می‌دهد (سوبسی، ۲۰۰۴). ناتوانی کودک می‌تواند بر عملکرد مطلوب خانواده تأثیر بگذارد؛ به طوری که ممکن است زن و شوهر هر کدام خود یا دیگری را مسبب ناتوانی فرزندان‌شان بدانند و این مسأله روابط بین فردی و رضایت زناشویی آن‌ها را تحت تأثیر قرار داده و منجر به تعارضات خانوادگی، ناسازگاری و در نهایت طلاق و جدایی آن‌ها شود (کووک و همکاران، ۲۰۱۴).

یافته سوم پژوهش مبنی بر اینکه سبک‌های تفکر مادران دارای فرزند ناتوان در یادگیری با سبک‌های تفکر مادران دارای فرزند عادی متفاوت است با یافته‌های پژوهش‌های پارک، شین و پارک، (۲۰۰۸) و پیرمحمدی و همکاران (۱۳۸۹) همسو است. در تبیین این یافته‌ها می‌توان بیان کرد که والدین نه تنها برعلاوه و کنجکاوی و شناخت کودکان نسبت به محیط اطراف تأثیر

می‌گذارند، بلکه می‌توانند به آن‌ها جهت بهبود مهارت‌های فکریشان کمک کنند. این بهبود به طور خاص می‌تواند با استفاده از سؤالاتی که بزرگسالان از آن‌ها جهت کسب اطلاعات می‌پرسند، حمایت شود و کودکان بدین وسیله، برنامه‌ها، استراتژی‌ها و اقدامات گذشته خود را ارزیابی کنند (پارک، شین و پارک، ۲۰۰۸). خصوصاً این موارد در مورد کودکان ناتوان در یادگیری اهمیت خاصی پیدا می‌کند. این افراد به دنبال کمک‌های بیشتر، تلاش‌های آگاهانه‌ای برای جلب حمایت خانواده و اطرافیان، جهت یادگیری خود انجام می‌دهند. مطالعات نشان می‌دهد که استفاده کارآمد والدین خصوصاً مادران این کودکان از سبک‌های تفکر بسته به موقعیت با بهبود عملکرد تحصیلی آن‌ها در ارتباط است (پارک و همکاران، ۲۰۰۸). مادرانی که بسته به موقعیت از سبک‌های تفکر قانون‌گذار، اجرایی و قضاوت‌گر استفاده می‌کنند می‌توانند برای کودک فرصت‌هایی برای ابتکار، خلاقیت، برنامه‌ریزی، ارزیابی افراد و کارها و قدرت روبه‌رو شدن با موقعیت‌های مسئله‌ساز و چالش‌آفرین فراهم کرده و در نتیجه کودک مهارت و توانایی لازم برای روبه‌رو شدن با مشکلات و حل مسائل را بیاموزد (ماشال و کاسیریر، ۲۰۱۱).

یافته آخر پژوهش پژوهش‌شان نشان داد که در زیرمقیاس اوقات فراغت، مدیریت مالی، ارتباط با اقوام و دوستان و جهت‌گیری مذهبی تفاوت معناداری بین مادران دارای کودک ناتوان در یادگیری با مادران دارای کودک عادی مشاهده نشد. در تبیین این یافته می‌توان گفت این زیرمقیاس‌ها نسبت به زیرمقیاس‌های دیگر پرسشنامه رضایت زناشویی؛ یعنی ارتباط زناشویی، موضوعات شخصیتی، حل تعارض، ارتباط جنسی و ازدواج و فرزندان، نقش کمتری در عملکرد خانواده دارند (فونرز و اولسون، ۱۹۹۳) و در نتیجه نسبت به دیگر زیرمقیاس‌ها، می‌تواند تأثیر کمتری بر ارتباط بین والد-کودک داشته باشند.

در مجموع با توجه به مشکلات عدیده‌ای که مادران دارای فرزند ناتوان در یادگیری خصوصاً در عملکرد خانواده، رضایت زناشویی و سبک‌های تفکر با آن‌ها مواجه هستند، لزوم برنامه‌ریزی برای برداشتن مشکلات فراروی آن‌ها و بیش از پیش احساس می‌شود. نتایج پژوهش نشان داد که

مادران دارای فرزند ناتوان در یادگیری در عملکرد خانواده، رضایت زناشویی و استفاده صحیح از سبک‌های تفکر ضعف دارند؛ بنابراین، پیشنهاد می‌شود که به محض تشخیص ناتوانی یادگیری در کودک، برنامه‌های آموزشی و مشاوره‌ای مدون، جهت پیشگیری از تشدید مشکلات والدین خصوصاً مادران این کودکان در توانمندسازی و مدیریت مؤثر فرزندانشان طرح‌ریزی شود. از جمله محدودیت‌های این تحقیق این بود که پدران کودکان ناتوان در یادگیری مورد بررسی قرار نگرفتند که ممکن است تعامل مهارت‌های پدر و مادر با هم و برآیند این دو بر کودکان ناتوان در یادگیری مؤثرتر باشد؛ بنابراین، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی پدران و مادران این کودکان با هم یا جداگانه مورد بررسی و مقایسه قرار گیرند. همچنین محدوده سنی (۱۳-۶ سال) کودکان ناتوان در یادگیری در این پژوهش ثابت نگه داشته شده بود که برای تعمیم یافته‌های به دست آمده، انجام بررسی‌های مشابه در دیگر گروه‌های سنی ضروری است.

منابع

- امامی‌پور، سوزان و سیف، علی اکبر (۱۳۸۲). بررسی تحولی سبک‌های تفکر در دانش‌آموزان و دانشجویان و رابطه آن‌ها با خلاقیت و پیشرفت تحصیلی. *نوآوری‌های آموزشی*، ۲(۳)، ۵۶-۳۵.
- پیرمحمدی، غلامرضا؛ خدایی، علی؛ یوسفی، هادی؛ شریعتی، فرهاد و دستا، مهدی (۱۳۸۹). رابطه سبک‌های تفکر و رویکردهای یادگیری با پیشرفت تحصیلی دانشجویان دختر و پسر. *مطالعات آموزش و یادگیری*، ۲(۱)، ۹۴-۶۹.
- پور افقی، فرشاد. (۱۳۹۵). نقش سبک‌های زندگی، درک اجتماعی و روابط خانوادگی در پیش‌بینی رضایت زناشویی معلمان جوان. *مجله‌ی روان‌شناسی مدرسه*، ۵(۲)، ۳۸-۲۰.
- ثنایی، باقر (۱۳۷۹). مقیاس سنجش خانواده و ازدواج. چاپ اول، تهران: انتشارات بعثت.
- شیخ‌الاسلامی، علی؛ محمدی، نسیم و سیداسماعیلی قمی، نسترن (۱۳۹۵). مقایسه استرس والدگری، شادکامی و انعطاف‌پذیری شناختی مادران دارای فرزند کم‌توان ذهنی و ناتوان یادگیری. *مجله‌ی ناتوانی‌های یادگیری*، ۵(۴)، ۴۲-۲۵.

- عباسی، مسلم (۱۳۹۴). مقایسهٔ بهزیستی اجتماعی و اضطراب اجتماعی در دانش‌آموزان با و بدون ناتوانی یادگیری خاص. *مجله‌ی ناتوانی‌های یادگیری*، ۵(۲)، ۷۴-۹۱.
- کهرآزنی، فرهاد (۱۳۹۶). رابطه میزان عملکرد خانواده با میزان خود نظم دهی تحصیلی و خود بازراری در میان دانش‌آموزان دبیرستانی. *نشریه رویش روانشناسی*، ۶(۲)، ۱۴۸-۱۲۱.
- محمدی فر، محمد علی؛ کاظمی، سکینه و زارعی مته کلایی، الهه. (۱۳۹۵). نقش عملکرد خانواده و خودکارآمدی در سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان. *مجله‌ی روان شناسی مدرسه*، ۵(۴)، ۱۱۷-۱۳۱.
- نریمانی، محمد؛ سلیمانی، اسماعیل و ابوالقاسمی، عباس. (۱۳۹۱). مقایسه ابعاد درونی و بیرونی سبک‌های تفکر دانش‌آموزان نابینا و بینا. *مجله‌ی روان شناسی مدرسه*، ۱(۱)، ۱۰۸-۱۱۸.
- نعمتی فردی، تابان؛ دالوندی، اصغر؛ ساجدی فیروزه و نوروزی، کیان (۱۳۹۸). بررسی تأثیر آموزش برنامه خودمدیریتی پنج آبر آپگار خانواده‌های دارای کودکان فلج مغزی. *نشریه پژوهش توانبخشی در پرستاری*، ۶(۱)، ۹-۱.
- یوسفی، ناصر؛ امانی، احمد و حسینی، صالح. (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین عملکرد خانواده و اضطراب امتحان، با نقش واسطه‌ای تمایز یافتگی در دانش‌آموزان. *مجله‌ی روان شناسی مدرسه*، ۵(۴)، ۷۴-۵۲.
- Abbasi, M. (2016). Comparison of social welfare and social anxiety in children with and without specific learning disabilities. *Journal of Learning Disabilities*, 5(2), 129-35. (Persian).
- Alazemi, S. S., Hadadian, A., Merbler, J. B., & Wang, C. (2015). Stress Levels of Kuwaiti Mothers of Children with SLD: Does Work and Educational Status Matter? *International Journal of Special Education*, 30(1), 120-131.
- Barkauskiene, R. (2009). The role of parenting for adjustment of children with and without learning disabilities: a person-oriented approach. *Learning Disabilities: a Contemporary Journal*, 7(2), 1-17.
- Bodovski, K., & Youn, M. J. (2010). Love, discipline and elementary school achievement: The role of family emotional climate. *Social Science Research*, 39(4), 585-595. <https://doi.org/10.1016/j.ssresearch.2010.03.008>
- Diaz-Morales, J. F., & Escribano, C. (2013). Circadian preference and thinking styles: Implications for school achievement. *Chronobiology international*, 30(10), 1231-1239. <https://doi.org/10.3109/07420528.2013.813854>
- Dyson, L. (2010). Unanticipated effects of children with learning disabilities on their families. *Learning Disability Quarterly*, 33(1), 43-55. <https://doi.org/10.1177/073194871003300104>

- Emami Pour S, Seif A. A. (2003). Developmental study of thinking styles in students and its relation to creativity and academic achievement. *Educational innovations*, 2(3), 35-56. (Persian).
- Emir, S. (2013). Contributions of Teachers' Thinking Styles to Critical Thinking Dispositions (Istanbul-Fatih Sample). *Educational Sciences: Theory and Practice*, 13(1), 337-347.
- Fowers, B. J., & Olson, D. H. (1993). ENRICH Marital Satisfaction Scale: A brief research and clinical tool. *Journal of Family psychology*, 7(2), 176-185. <https://doi.org/10.1037/0893-3200.7.2.176>
- Geary, D. C. (2013). Early foundations for mathematics learning and their relations to learning disabilities. *Current directions in psychological science*, 22(1), 23-27. <https://doi.org/10.1177/0963721412469398>
- Gull, M., & Nizami, N. (2015). Comparative study of hope and psychological well-being among the parents of physically and intellectually disabled children. *International Journal of Modern Social Sciences*, 4(2), 143-152.
- Herring, S., Gray, K., Taffe, J., Tonge, B., Sweeney, D., & Einfeld, S. (2006). Behaviour and emotional problems in toddlers with pervasive developmental disorders and developmental delay: associations with parental mental health and family functioning. *Journal of Intellectual Disability Research*, 50(12), 874-882. <https://doi.org/10.1111/j.1365-2788.2006.00904.x>
- Kahrazaie F. (2017). The relation of Family Functional with Self-regulation of Academic and Inhibition among high school students. *Rooyesh*, 6 (2), 121-148. (Persian).
- Kwok, S. Y. C. L., Leung, C. L. K., & Wong, D. F. K. (2014). Marital satisfaction of Chinese mothers of children with autism and intellectual disabilities in Hong Kong. *Journal of Intellectual Disability Research*, 58(12), 1156-1171. <https://doi.org/10.1111/jir.12116>
- Mashal, N., & Kasirer, A. (2011). Thinking maps enhance metaphoric competence in children with autism and learning disabilities. *Research in Developmental Disabilities*, 32(6), 2045-2054. <https://doi.org/10.1016/j.ridd.2011.08.012>
- Mohammadyfar, M., Kazemi, S. & Zarei Matekolae, E. (2017). The role of students' family function and self-efficacy in social adjustment. *Journal of School Psychology*, 5(4), 117-131. (Persian).
- Narimani, M., Soleymani, E. & Abolghasemi, A. (2012). A comparison of internal and external dimensions of thinking styles in blind and sighted students. *Journal of School Psychology*, 1(1), 108-118. (Persian).
- Park, J. S., Shin, H. J., & Park, A. S. (2008). Relationships among Mother's Thinking Styles, Stress Coping Styles, and Child-Rearing Stress. *Korean Journal of Child Studies*, 29(3), 55-72.
- Pijl, S. J., & Frostad, P. (2010). Peer acceptance and self-concept of students with disabilities in regular education. *European Journal of Special Needs Education*, 25(1), 93-105. <https://doi.org/10.1080/08856250903450947>

- Pourofoghi, F. (2016). The role of lifestyles, social perception and family relationships in predicting of marital satisfaction the young teachers. *Journal of School Psychology*, 5(2), 20-38. (Persian).
- Pirmohammadi Gh, Khodae A, Yousefi H, Shariati F, Dasa M (2010). The relationship between thinking styles and learning approaches with academic achievement of male and female students. *Studies Teaching and Learning*, 2(1), 69- 94. (Persian).
- Sanaei, B. (2001). *Measures of family and marriage*. Tehran: Be'esat Pub. (Persian).
- Sheykholeslami, A., Mohammadi, N., & Seyedesmaili ghomi, N. (2016). Comparing the parenting stress, happiness and cognitive flexibility of mothers with intellectually disable and learning disable children. *Journal of Learning Disabilities*, 5(4), 25-42. (Persian).
- Simon, A. & Easvaradoss, V. (2015). Caregiver Burden in Learning Disability. *International Journal of Indian Psychology*, 2(3), 2349-3429.
- Smilkstein, G. (1978). The Family APGAR: A proposal for family function test and its use by physicians. *The Journal of Family Practice*, 6(6), 1231-1239.
- Smilkstein, G., Ashworth, C., & Montano, D. (1982). Validity and reliability of the Family APGAR as a test of family function. *The Journal of Family Practice*, 15(2), 303-311.
- Sobsey, D. (2004). Marital Stability and Marital Satisfaction in Families of Children with Disabilities: Chicken or Egg?. *Developmental Disabilities Bulletin*, 32(1), 62-83.
- Sternberg, R. J. (1994). Allowing for Thinking Styles. *Educational leadership*, 52(3), 36-40.
- Sternberg, R. J. Wagner. RK (1992). *Thinking Styles Inventory*. Unpublished Thesis, Yale University, New Haven, CT.
- Xie, Q., Gao, X., & King, R. B. (2013). Thinking styles in implicit and explicit learning. *Learning and Individual Differences*, 23, 267-271. <https://doi.org/10.1016/j.lindif.2012.10.014>
- Yosefi, N., Amani, A. & Hosseini, S. (2017). A study of the relationship between family function and test anxiety and the mediating role of differentiation among students. *Journal of School Psychology*, 5(4), 52-74. (Persian).
- Yildirim Sari, H., & Başbakkal, Z. (2010). Depression among mothers of children and adults with an intellectual disability in Turkey. *International Journal of Nursing Practice*, 16(3), 248-253. <https://doi.org/10.1111/j.1440-172X.2010.01837.x>
- Zheng, C., Gaumer Erickson, A., Kingston, N. M., & Noonan, P. M. (2014). The relationship among self-determination, self-concept, and academic achievement for students with learning disabilities. *Journal of Learning Disabilities*, 47(5), 462-474. <https://doi.org/10.1177/0022219412469688>
- Zhu, C., & Zhang, L. F. (2011). Thinking styles and conceptions of creativity among university students. *Educational Psychology*, 31(3), 361-375. <https://doi.org/10.1080/01443410.2011.557044>

Comparing the family function, marital satisfaction and thinking styles of mothers of children with learning disabilities and mothers of children with normal children

Y. Rezapour Mirsaleh¹ & M. Esmaeelbeigi^{2*}

Abstract

The purpose of this study was to compare the family function, marital satisfaction and thinking styles of mothers of children with learning disabilities and mothers of children with normal children. The research design of this study was causal-comparative. The population of this study included all mothers of children with learning disabilities and mothers of children with normal children in Ardakan and Meybod schools in the academic year of 2016-2017. Through available sampling method, 140 mothers (70 mothers of children with learning disabilities and 70 mothers of children with normal children) were selected. Data were collected using Smilkstein's Family Apgar Scale, Enrich marriage satisfaction and Sternberg and Wanger's thinking styles inventory. Data was analyzed using multivariate analysis of variance. The findings showed that mothers of children with learning disabilities have less family function and marital satisfaction than mothers of children with normal children. Also, legislative, executive and judicial thinking styles were higher in mothers of normal children than mothers of children with learning disabilities ($p < 0.05$). Therefore, the improvement of thinking styles, marital satisfaction and family functioning of mothers of children with learning disabilities could help to improve their children's performance.

Keyword: Family function, marital satisfaction, thinking styles, learning disabilities.

¹ . Associate Professor, Department of Counseling, Ardakan University

² . Corresponding Author: MA in family consulting, Ardakan University (moniremahani@yahoo.com)